

# حرمت حمل مواد مخدر بر اساس مبانی فقهی

میثم قلابی<sup>۱</sup>، محمدرضا کونانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹ / ۹ / ۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۹ / ۱۱ / ۲

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی لرستان

سال هشتم / شماره چهارم / زمستان ۱۳۹۹

از صفحه ۱۵۴ تا ۱۷۷

## چکیده

این پژوهش سعی بر آن دارد که به این پرسش اصلی که حمل مواد مخدر از دیدگاه علمای معاصر اهل شیعه و مذاهب خمسه دارای چه احکام فقهی می‌باشد جواب دهد. فرضیه این تحقیق عبارت است از اینکه از نظر همه علمای شیعه و اهل سنت و مذاهب خمسه چون اعتیاد به مواد مخدر ضرر دارد حرام می‌باشد. با توجه به فرضیه تحقیق و نظری بودن پژوهش نوع روش تحقیق بر طبق استانداردها و موازین تحقیق نظری می‌باشد که در پایه مطالعات کتابخانه‌ای بوده و از روش استدلال و تحلیل منطقی استفاده می‌شود که در قالب توضیح و تبیین مفاهیم و نظرات و آراء مطروح بوده و براساس معیارهای معتبر فقهی و حقوقی به بررسی و نقد و مقایسه آراء پرداخته می‌شود و با نتیجه‌گیری خاتمه می‌یابد. نتایج بدست آمده مشخص کرد که: الف- بر طبق نظر علمای اسلامی مواد مخدر غالباً پاک هستند. ب- استعمال و زراعت و حمل و تجارت آنها برای مصارفی طبی و دارویی مجاز و برای سایر موارد حرام است، ج- مرتکب هر یک از موارد مواد مخدر باید به کیفر خود برسد و البته مجازات مواد مخدر از نوع تعزیری است. د- حقوق موضوعه ایران نیز که از فقه اسلام گرفته شده هر گونه بهره برداری و زراعت و تجارت مواد مخدر را جزء برای مصرف دارویی و درمان جرم دانسته و برای هر یک از موارد مذکور مجازاتی در نظر گرفته است تا مجرم به سزای عمل خود برسد. به طور کلی نتایج حاکی از آن است که استعمال، کشت، خرید و فروش، تجارت، حمل و نقل و نگهداری مواد مخدر به طور مطلق در کلیه فتاوی‌های اهل شیعه و سنت حرام است و مجازات قانونی در پی دارد.

کلمات کلیدی: حمل-مواد مخدر- فقه- قواعد

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، شهید بهشتی ایران و قاضی دادگستری

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد و پژوهشگر حقوق جزا و جرم شناسی: نویسنده مسئول:

(mohamadrezakoonani44@gmail.com)

## مقدمه

مواد مخدر عرصه پیچیده ای است که با بسیاری از بنیادها و زیرساخت های جامعه در هم تنیده شده است. همچنین موضوعات متعددی در خصوص مواد مخدر پدید آمده است که هرکدام در فقه قابل مطالعه و بررسی است و باید به طور جداگانه به مبانی فقهی احکام آنها پرداخت. با توجه به حساسیت نظام جمهوری اسلامی نسبت به مواد مخدر و پیچیدگی مسائل مربوط به آن، تحقیق و اجتهاد فقهی در فروع مختلف مربوط به مواد مخدر و جرائم آن امری ضروری می باشد.

مواد مخدر، نامی عمومی برای انواع مختلفی از داروها و ترکیبات طبیعی، شیمیایی است که اغلب به دلیل احتمال ایجاد وابستگی به مصرف جزء مواد اعتیادآور طبقه بندی شده و معمولاً خرید و فروش و حمل آنها ممنوع است. منظور از مواد مخدر در این مقاله تمام انواع موادی است که مخدر، محرک، توهم‌زا و سستی‌آور بوده و آثار جسمی و روحی منهدم کننده را در شرع به دنبال دارد و پس از یک یا چند بار مصرف موجب اعتیاد می گردد که عمدتاً تریاک و مشتقات آن، حشیش و ماری جوانا و مشتقات آن و کوکائین، همچنین مواد مخدر مصنوعی را شامل می شود. بعد از قاچاق سلاح بزرگترین و سودآورترین تجارت در جهان تجارت مواد مخدر است. مجاورت بزرگترین کشور تولیدکننده مواد مخدر جهان یعنی افغانستان با جمهوری اسلامی ایران سبب شده تا بخش زیادی از مواد مخدر تولیدی این کشور جهت مصرف یا ترانزیت وارد کشورمان شود. از طرفی درآمد حاصل از خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر و روان گردان، افراد سودجو و فرصت طلب را بر آن داشته تا با شگردهای متفاوت به قاچاق و حمل مواد مخدر اقدام کنند.

## مفهوم مواد مخدر

در مورد تعریف مواد مخدر بین علما و پژوهشگران حقوقی و مصادیق آن تعریف مانع و جامع وجود ندارد. در این مورد آن تعاریف نگاشته می شود که نسبت به تعاریف دیگر کامل تر به نظر می رسد و در اسناد بین المللی نیز ذکر شده است.

سازمان بهداشت جهانی ماده مخدر را این گونه تعریف می کند:

هر ماده‌ای که پس از وارد شدن به درون بدن بتواند بر یک یا چند عملکرد مغز تأثیر بگذارد، ماده‌ی مخدر است. این تعریف موادی نظیر توتون و مشروبات الکلی و مخدرهای غیر قانونی مانند هروئین و L.S.D را نیز در بر می‌گیرد. ضمن اینکه در این تعریف مصرف‌کنندگان مواد مخدر نیز بیمار تلقی می‌شوند.

عادت کردن، خو گرفتن و خود را وقف عادت‌ی نکوهیده کردن، اعتیاد تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، ابتلای اسارت‌آمیز به ماده‌ی مخدر که از نظر جسمی یا اجتماعی زیان‌آور شمرده شود، اعتیاد نام دارد. اصطلاح اعتیاد به سهولت قابل تعریف نیست و عواقب آن به صورت مختلف نظیر تحمل و وابستگی بدنی آشکار می‌شود.

در طب جدید به جای کلمه‌ی اعتیاد، «وابستگی به مواد» به کار می‌رود که همان مفهوم را دارد ولی دقیق‌تر و صحیح‌تر است. مفهوم این کلمه آن است که انسان با استعمال نوعی ماده شیمیایی از نظر جسمی و روانی به آن وابستگی پیدا می‌کند. به طوری که بر اثر دستیابی و مصرف دارو احساس آرامش و لذت به او دست می‌دهد، اما با نرسیدن دارو، خماری، دردهای جسمانی و احساس ناراحتی را تجربه می‌کند.

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۰ در مورد اعتیاد به مواد مخدر تعریف زیر را ارائه کرد: اعتیاد به مواد مخدر عبارت است از مسمومیت تدریجی یا حادی که به علت مصرف مداوم یک دارو، اعم از طبیعی یا ترکیبی، ایجاد می‌شود و به حال شخص و اجتماع زیان‌آور می‌باشد.

به عبارت ساده‌تر، اعتیاد عبارت است از وابستگی به موادی که مصرف مکرر آن با کمیت مشخص و در زمانهای معین، از نظر مصرف‌کننده، ضروری و دارای ویژگی‌های زیر است:

- وابستگی جسمی ایجاد می‌کند.

- وابستگی روانی ایجاد می‌کند.

- پدیده‌ی تحمل در بدن نسبت به مواد مصرفی ایجاد می‌شود.

- ماده‌ی مورد نیاز به هر شکل و از هر طریق باید به دست بیاید.

- ماده مصرفی بر مصرف‌کننده، خانواده و جامعه تأثیر مخرب دارد.

وابستگی جسمی حالتی است که پس از مصرف مکرر ماده ی مخدر خاص در شخص ایجاد می شود و در صورت عدم مصرف یا از بین رفتن اثر آن، شخص دچار مشکلات شدید جسمی نظیر پا درد، آبریزش بینی، دردهای شدید استخوانی، بی قراری، دل پیچه و ... می شود. وابستگی روانی، میل به تکرار تجربه احساس خوشایند ناشی از سوء مصرف مواد است. به بیان دیگر، فرد با مصرف ماده ی مخدر، احساس رضایت و حال خوش را تجربه می نماید. این احساس رضایت و خشنودی، میل به تجربه مجدد آن ماده را بوجود می آورد که خود باعث تکرار مصرف می شود.

در واقع این حالت میل، می تواند گونه ای از شرطی شدن باشد به طوری که فرد عملاً در موقع ناراحتی، بارها مصرف ماده مخدر و اثر خوشایند آن را تجربه می کند و نسبت به آن شرطی می شود. در این نوع وابستگی، مصرف کننده علاوه بر ماده ی مصرفی، به شرایط محیطی و آدابی که ویژه مصرف است نیز شرطی و وابسته می شود. پدیده ی تحمل، سازگاری انسان با ماده مخدر مصرفی است و نشانه ی آن کاهش واکنش های جسمی و روانی، نسبت به مصرف مداوم مقدار معینی از آن ماده است. در نتیجه اگر مصرف کننده بخواهد همان حالات را تجربه کند، باید مقدار بیشتری از آن ماده را مصرف کند.

### پیشینه تاریخی و مجازات مواد مخدر در فقه اسلامی

نفس مواد مخدر یک موضوع مستحدثه نمی باشد، زیرا برخی از آنها در کلمات ائمه معصومین (ع) و فقهای قدیم آمده است. بنج، مفتر، مخدر و افیون چهار عنوانی است که هم در روایات و هم در کلمات فقها آمده و آثار و احکام شرعی مختلفی بر آن مترتب شده است، مثلاً شیخ طوسی در النهایه گفته است: « من بنج غیره او اسکره شیء احتال علیه فی شربه و اکلہ ثم اخذ مالہ عوقب علی فعله بما یراه الامام و استرجع عنه ما اخذ. فان جنی البنج او الاسکار علیه جنایة کان المبنج ضامناً لما جناه» (شیخ طوسی، ۷۲۱: بی تا).

شبيه همين عبارت را شيخ مفيد در مقنعه آورده و اضافه کرده است: «فان جن البنج على الانسان او المسكر من الشراب جناية، لزمه ارشها بحسب ما يجب فيها لنقصان الجسم او العقل او الحواس (شيخ مفيد، ۱۴۱۰: ۸۰).

مواد مخدر سبب پديد آمدن موضوعات و فروع متعددی شده که هر کدام می تواند در باب خاصی از فقه مورد اجتهاد قرار گیرد، مانند:

- ۱- کشت خشخاش
- ۲- توليد و فرآيند عمل آوری مواد مخدر
- ۳- نگهداری
- ۴- حمل و نقل
- ۵- توزيع و فروش
- ۶- مصرف و استعمال
- ۷- ايجاد مراکز و مکان استعمال و ارائه خدمات و ابزار برای سهولت توليد، توزيع و مصرف
- ۸- در آمد و سرمايه های حاصله از هريك از مراحل توليد تا مصرف معاملات و قراردادهای در خصوص مواد مخدر...
- ۹- کسب خبر و ارائه اطلاعات
- ۱۰- مبارزه با هر يك از مراحل مواد مخدر
- ۱۱- درمان و ترک.

### حرمت استعمال مواد مخدر و مجازات آن

حکم تکلیفی حرمت در خصوص موضوعات ۱ تا ۹ متوقف بر ثبوت حرمت استعمال و مصرف مواد مخدر می باشد. افزون بر این که نحوه ی اثبات این حکم اساس و مبنای مباحث بعدی در خصوص احکام وضعی و مجازات مرتکبین می باشد.

از زمان مرحوم سيد ابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ق) تا امروز فتاوی صریحی در خصوص استعمال مواد مخدر از مراجع و مجتهدین در دست می باشد. در لابه لای کلمات فقهای

بزرگ قدیم نیز کلماتی وجود دارد که حکایت از حرمت مواد مخدر نزد آنان دارد. البته فقها در مبنای تحریم مواد مخدر با یکدیگر اختلاف داشته و دارند. برخی به عنوان یک موضوع مستقل، قایل به حرمت بوده اند. برخی نیز چون شیخ طوسی آن را به مسکرات ملحق کرده اند. (طریحی، ۱۳۸۵: ۶۲). برخی دیگر آن‌ها را یکی از سموم و فاقد فایده‌ی عقلایی دانسته و قایل به تحریم آنها شده اند و برخی داخل در عنوان مقرر کرده و به حرمت آن فتوا داده اند.

### دلایل حرمت معاملات و قاچاق مواد مخدر

باتوجه به حرمت استعمال مواد مخدر و عدم فایده‌ی عقلانی مصرف آنها و مفسدگی که پیامد استعمال مواد مخدر است، حرمت تولید و قاچاق آن نیز روشن می‌گردد. فقهای قایل به حرمت استعمال مواد مخدر هستند، قایل به حرمت تولید و قاچاق آن هم می‌باشند. حرمت این امور که تبیین آنها در این مبحث آمده، پایه و اساس مبنای مجازات قاچاقچیان مواد مخدر می‌باشد.

### مجازات حمل مواد مخدر در قانون مبارزه با مواد مخدر

ماده یک این قانون حمل مواد مخدر را جرم دانسته است. دادگاه با توجه به نوع مواد مخدر، میزان، سابقه محکوم، نحوه دستگیری مجرم، همکاری او و همچنین شرایط روحی و جسمی او، حکم صادر می‌کند.

افرادی که مرتکب این جرم شوند را به نحو ذیل قابل مجازات دانسته است:

ماده ۴: هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود:

۱- تا پنجاه گرم، تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق. ۲- بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، از چهار میلیون تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا

هفتاد و چهار ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم بداند تا سه سال حبس. ۳- بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، از پنجاه میلیون تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تاهفتاد و چهارضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس ۴- بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

ماده ۵: هر کس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

۱- تا پنجاه گرم، تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق ۲- بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، پنج تا پانزده میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا هفتاد و چهار ضربه شلاق ۳- بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، پانزده میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و چهل تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس ۴- بیش از پنج کیلوگرم تا بیست کیلوگرم، شصت تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و پنج تا ده سال حبس و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر مجازاتهای مذکور، به جای جریمه مصادره اموال ناشی از همان جرم، و برای بار سوم اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم ۵- بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازای هر کیلوگرم دو میلیون ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می‌رسد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم ۶- بیش از یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و ۵ حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

### ابعاد فقهی حمل

حمل و تحویل تحت نظارت مواد مخدر از جمله مباحث نوینی است که چند دهه پیشتر از طرح آن نمی‌گذرد و هنوز خیلی از جنبه‌های حقوقی آن هم با ابهام رو به رو است. بنابراین جستجوی این مبحث در آثار فقها و عبارات فقهی حتی فقهای معاصر جستجوی بی‌حاصلی

است، اما از آنجایی که فقه و خصوصاً فقه امامیه یک سیستم پویا برای پاسخگویی به تمامی نیازهای بشر است و با اتکا به اصول و قواعد خود هیچ مسئله مستحدث‌های را بی‌پاسخ نمی‌گذارد، می‌توان مبانی حمل و تحویل تحت نظارت را با اصول و قواعد فقهی سنجید. بنابراین در کنار تمام فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای مبارزه با مواد مخدر و قاچاق آن، یکی از گام‌های مؤثر، پژوهش در زمینه حکم فقهی و تبیین تکلیف شرعی راه‌های مبارزه با مواد مخدر از جمله روش حمل و تحویل تحت نظارت است.

ادله مؤید: ۱- قاعده لاضرر ۲- قاعده تراحم حقوق ۳- قاعده مصلحت ۴- قاعده عمل به عرف و عادت ۵- قاعده اعانت بر اثم ۶- قاعده حرمت مقدمه حرام ۷- قاعده نفی سبیل و ...

### قاعده لاضرر

یکی از قواعد فقهیه مهم که مبنای بسیاری از احکام فقهی دیگر در فقه قرار می‌گیرد، قاعده‌ی لاضرر است. البته در تبیین مفاد آن نظریات مختلفی وجود دارد. مهم‌ترین آنها نظریه‌ی شیخ انصاری مبنی بر نفی حکم ضرری (انصاری، ۳۷۳: ۱۳۷۶) و نظریه‌ی آخوند خراسانی یعنی نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری (خراسانی، ۴۳۲: ۱۴۱۲) و تفسیر امام(ره) از قاعده که نفی ضرر را از باب احکام سلطانیه و حکومتی می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۵: ۵۵) می‌باشد. دو تفسیر دیگر که در بحث دانشمندان این علم مطرح است، نظریه شریعت اصفهانی مبنی بر اشتغال قاعده بر نهی تکلیفی و نظریه دیگر نفی ضرر غیر متدارک مربوط به مرحوم نراقی است.

براساس پنج تفسیر فوق از قاعده به جز بیان مرحوم نراقی، قاچاق مواد مخدر و فرآیند تولید تا مصرف آن از صغریات قاعده مزبور می‌باشد، زیرا اگر حکم به اباحه آن شود، در واقع حکم به تکسب و تولید و معاملاتی شده که ضرر و زیان آن برای افراد جامعه، و حیات آنها امری مسلم است، لذا از باب نفی حکم ضرری، حکم اباحه آن برداشته شده و حرام می‌گردد. موضوع مواد مخدر، تکسب و تولید... به جز ضرر و زیان برای جامعه چیزی در بر ندارند و آن دسته از مشتقات مواد مخدر که کاربرد پزشکی دارند، نیز چنانچه حکم به حلیت آنها



کنیم، مورد سوء استفاده بسیار و بیش از کاربردش در امور طبی قرار می‌گیرند و همان مضرات مواد مخدر را دارند. از این‌رو از باب نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری آن حرام می‌گردد. اما اگر قاعده را از باب احکام حکومتی و سلطانیه حجت بدانیم، چون ضرری بودن مواد مخدر برای جامعه و افراد آن روشن بوده و حتی می‌تواند تهدیدی برای حکومت باشد، از باب احکام حکومتی، محکوم به منع و حرمت می‌باشد. بسیاری از فقهای معاصر از جمله آیت‌الله خامنه‌ای از باب ضرر قائل به حرمت تکسب، معاملات، حمل، نقل و حفظ... مواد مخدر شده‌اند. و آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: (یحرم استعمال المواد المخدرة والإستفاده منها، نظراً الى ما يترتب على استعمالها من الآثار السيئة من قبيل الأضرار الشخصية والاجتماعية المعتبرة بها، ومن هنا يحرم التكتسب بها أيضاً بالحمل والنقل والحفظ والبيع والشراء وغير ذلك)

### قاعده لاضرر در حمل

حمل و تحویل تحت نظارت مواد مخدر به عنوان روشی برای جلوگیری از زیان‌های ناشی از توزیع مواد مخدر در بین مردم، در راستای قاعده لاضرر است. در مقام قانون‌گذاری مبتنی بر احکام شرعی طبق قاعده لاضرر باید مسیر قوانین را در جهت از بین بردن اضرار به مردم قرار داد، پس هر قانونی که در مسیر نفی ضرر از مردم و مبتنی بر قاعده لاضرر باشد، از لحاظ ادله فقهی معتبر است و به طور خاص در اینجا هرگونه تقنین در راستای جلوگیری از ورود مواد مخدر به کشور اسلامی و گسترش آن با هر روشی از جمله حمل و تحویل تحت نظارت، شرعاً معتبر و لازم الاجرا است.

### قاعده تراحم حقوق

استناد به این قاعده از این رو است که در عملیات حمل و تحویل تحت نظارت بین دو دسته از حقوق تراحم ایجاد می‌شود. یکی حق جامعه برای تعقیب و پیگیری مجرمین به محض کشف جرم و دیگری حق مردم برای داشتن جامعه‌ای ایمن و به دور از آسیب‌ها. در نتیجه از یک طرف بایستی به محض کشف مواد مخدر، حاملین و دست‌اندرکاران مورد تعقیب قرار گرفته و به محاکم قضایی تحویل داده شوند و از سوی دیگر لزوم شناسایی عوامل اصلی

قاچاق مواد مخدر و مهره‌های کلیدی توزیع و پخش مواد مخدر ایجاب می‌کند تا از تعقیب قضایی مجرمین خرده‌پا به طور موقت چشم‌پوشی گردد تا بتوان با استفاده از آنها به سرشاخه‌های اصلی دست پیدا نمود. به طور کلی تقدیم و تأخیر حقوق بر اساس دو قاعده «الاهم فالاهم» و «دفع افسد به فاسد» صورت می‌گیرد (عمید زنجانی، ج ۲، ۱۳۹۱: ۲۵۴). در نتیجه در حمل و تحویل تحت و نظارت مواد مخدر با توجه به این که شناسایی عوامل اصلی و مهره‌های کلیدی توزیع مواد مخدر مهم‌تر از دستگیری چند قاچاقچی جزء می‌باشد، از حق جامعه مبنی بر تعقیب مجرمین چشم‌پوشی می‌شود. به بیان دیگر نیز از آنجایی که مفسده قاچاقچیان اصلی و مهره‌های کلیدی پخش و توزیع مواد مخدر بسیار بیش از فساد چند نفر نیروی خرد است، بنا به قاعده «دفع افسد به فاسد» به وسیله چشم‌پوشی موقت از تعقیب قضایی نیروهای جزء، مفسده باندهای بزرگ توزیع مواد مخدر دفع می‌گردد، البته لازم به ذکر است که این حقوق در بازهای از زمان متزاحم می‌گردند و ما هم در برهه زمانی مشخص این قاعده را اجرا می‌کنیم. بنابراین پس از شناسایی باند قاچاق و نیروهای اصلی مانعی برای تعقیب و مجازات قاچاقچیان جزء و خرده‌پا وجود ندارد، بلکه وظیفه حکومت است تا با این مجرمین نیز برخورد نموده و آن‌ها را مورد مجازات قرار دهد، هر چند که جرم آن‌ها بسیار کم‌تر از جرم رؤسای باندهای قاچاق باشد.

### قاعدهٔ مصلحت

از دیدگاه فقهای شیعه، احکام اسلام بر اساس مصالح و مفاسد، وضع شده است؛ بدین معنی که با قطع نظر از احکام شرع، در افعال مکلفان مصالح و مفاسدی موجود است و اگر خداوند فعلی را واجب کرده است، به سبب همان منفعتی است که در آن وجود دارد و چنان چه از کاری نهی کرده است، باز به جهت فساد و شری است که در آن کار نهفته است.

از آنجا که قاچاق مواد مخدر و پخش و توزیع این مواد در کشور اسلامی موجب ایجاد فساد و انحراف در ابعاد مختلف جامعه اسلامی می‌گردد، در بعد اجتماعی، جامعه را به سوی تباهی می‌کشاند، بنیان‌های اجتماعی همچون خانواده را نابود می‌سازد، در بعد اقتصادی، به اختلال در نظام اقتصادی به دلیل ورود پول‌های هنگفت بی‌پشتوانه به گردش مالی جامعه می‌انجامد و جرائم دیگری همچون تطهیر پول را به دنبال می‌آورد و در بعد فرهنگی نیز

باعث انهدام بنیان‌های اخلاقی و زیربناهای فرهنگی جامعه می‌شود و در کل به اخلال در نظام اجتماعی جامعه منجر می‌گردد. بنابراین قاعده مصلحت ایجاب می‌کند که به منظور حفظ نظم اجتماعی با هر آنچه که موجب ایجاد اخلال در نظام اجتماعی می‌گردد، مبارزه شود، از جمله مواد مخدر که آسیب‌رسانی آن در نظم عمومی قطعی و یقینی است، پس باید از تمامی روش‌ها برای مبارزه با ورود مواد مخدر به کشور و پخش و توزیع آن استفاده نمود.

مهمترین مبارزه در این راه شناسایی باندهای بزرگ قاچاق و قاچاقچیان عمده مواد مخدر و انهدام و دستگیری آنها است، زیرا که گستره تأثیر فعالیت‌های آن به هیچ وجه قابل مقایسه با دامنه اثرگذاری قاچاقچیان خرده‌پا نیست، در نتیجه قاعده مصلحت ایجاب می‌نماید به منظور جلوگیری از عوارض ناخواسته مذکور و مبارزه ریشه‌ای با این معضل، سرشاخه‌های اصلی پخش مواد مخدر شناسایی و دستگیر گردند. روش حمل و تحویل تحت نظارت مواد مخدر به عنوان روشی برای از بین بردن توزیع گسترده مواد مخدر در راستای حفظ نظم عمومی و جلوگیری از ایجاد اختلال در نظام اجتماعی و منطبق بر قاعده فقهی مصلحت است و چنانچه در مسیر اجرای این روش لازم شود تا از برخی احکام و قواعد همچون تعقیب فوری مجرمین و یا اعانه بر اثم چشم‌پوشی نمود، طبق قاعده مصلحت توجیه‌پذیر خواهد بود.

قواعد عرفی از عقلانیت اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و عقلانیت اجتماعی نیز به نوبه خود متکی به مصلحت‌های اجتماعی است، به این ترتیب مصلحت‌های جدید، عقلانیت جدید و به دنبال آن قواعد عرفی تازه‌ای در جامعه پدید می‌آورد. بنابراین مصلحت نه تنها یک عامل زیربنایی در تحول قوانین عرفی است، بلکه در تمامی زمینه‌های تحولات اجتماعی مؤثر است.

در موضوع بحث ما نیز مصلحت ایجاب نموده است تا برای مبارزه مؤثرتر با گسترش و شیوع مواد مخدر در جامعه روش‌های جدیدی همچون روش حمل و تحویل کنترل شده مورد استفاده قرار گیرد که این خود نوعی مصلحت‌اندیشی اجتماعی است.

## آیات دال بر موضوع

(یا ایها الناس قد جائتکم موعظۀ من ربکم و شفاء لما فی الصدور وهدی و رحمۀ للمؤمنین قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون): ای مردم، برای شما پند و شفایی برای آن چه در دل هاتان (از امراض درونی) وجود دارد و هدایت و رحمتی برای مؤمنان، از جانب پروردگارتان آمده است. بگو فقط به فضل و رحمت خدا خوشحال بشوند، آن بهتر است از آن چه (از متاع دنیا) جمع می نمایند.

روایات بسیاری نیز در این زمینه وجود دارد؛ از جمله در روایتی از امام رضا (ع) چنین آمده:

أَنَّ بَعْضَ أَهْلِ الْقَبْلَةِ یَزْعَمُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ یَحِلَّ شَيْئاً وَ لَمْ یَحْرَمْ لَعَلَّةَ أَكْثَرِ مَنْ التَّعْبُدِ لِعِبَادَةِ بَذَلِكِ، قَدْ ضَلَّ مَنْ قَالَ ذَلِكَ ضَلَالاً بَعِيداً وَ خَسِرَ خَسِرَاناً مَبِيناً لِأَنَّهُ لَوْ كَانَ كَذَلِكَ لَكَانَ جَائِزاً أَنْ یَسْتَعْبِدَهُمْ بِتَحْلِيلِ مَا حَرَّمَ وَ تَحْرِیمِ مَا أَحَلَّ حَتَّى یَسْتَعْبِدَهُمْ بِتَرْكِ الصَّلَاةِ وَالصَّیَامِ وَاعْمَالِ الْبِرِّ كُلِّهَا، وَ الْإِنْكَارِ لَهُ وَ لِرَسُولِهِ وَ كِتَابِهِ وَ الْجُحُودِ بِالزَّوْنِ وَ السَّرْقَةِ وَ تَحْرِیمِ ذَوَاتِ الْمُحَارَمِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الَّتِی فِیْهَا فُسَادُ التَّدْبِیْرِ وَ فَنَاءُ الْخَلْقِ، إِذِ الْعَلَّةُ فِی التَّحْلِيلِ وَ التَّحْرِیمِ التَّعْبُدِ لَا غَیْرَهُ، فَكَانَ كَمَا أَبْطَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ قَوْلَ مَنْ قَالَ ذَلِكَ أَنَا وَ جَدْنَا كَلَّمَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِیْهِ صِلَاحَ الْعِبَادَةِ وَبِقَائِهِمْ وَ لَهُمْ إِلَیْهِ الْحَاجَةُ الَّتِی لَا یَسْتَعْنُونَ عَنْهَا وَ وَجَدْنَا الْمُحْرَمِ بَیْنَ الْأَشْیَاءِ لَا حَاجَةَ لِلْعِبَادَةِ إِلَیْهِ وَ وَجَدْنَا مَفْسُداً دَاعِياً إِلَى الْفَنَاءِ وَ الْهَلَاكِ): بعضی از مسلمانان گمان می کنند که خداوند تبارک و تعالی چیزی را که حلال و یا حرام کرده است، فقط به این دلیل بوده که مردم را به تعبد وادار کند. کسی که چنین بگوید، گمراه گشته گمراهی بسیار دور، و زیان کرده است زبانی آشکار. اگر چنین بوده باشد نیز جایز بود که خداوند بندگانش را در تحلیل محرمات و تحریم محللات به تعبد وادارد؛ به این صورت که به آن ها دستور دهد نماز و روزه و کارهای خیر را ترک کنند و خدا و پیامبران و انزال کتب را منکر گردند و نیز زنا، سرقت و حرمت محارم و شبیه این ها از کارهایی که در آن ها فساد و فنا مردم را به دنبال دارد، منکر شوند؛ چرا که علت تحلیل و تحریم، صرف تعبد است و آن در این صورت نیز حاصل می شود. پس همان طور که خداوند عزوجل چنین گمانی را باطل کرده، این گفتار نیز آن را باطل می کند که می گوید ما معتقدیم هر چه را که

خداوند حلال کرده است، مصلحت و بقای مردم به آن بستگی دارد و مردم به آن‌ها نیازمندند و هرچه را که حرام معرفی کرده، مردم به آن‌ها نیاز ندارند و فساد و هلاکت آنان در آن است.

### قاعده عمل به عرف و عادت

عرف به عملی گفته می‌شود که به طور مستمر و مکرر و بدون مانع و رادع در جامعه انجام می‌پذیرد و معیار اصلی در تشخیص موضوعات غیر شرعی است. قلمرو کاربردی قاعده عمل به عرف و عادت، قلمرو بسیار گسترده‌ای است که ما در این جا تنها از آن، قواعد عرف بین‌المللی را مد نظر داریم. به طور کلی از دیدگاه اسلام عرف عبارت است از تکرار عمل معین در مدت زمان طولانی، ناشی از عادات و رسوم اجتماعی که به تدریج خصوصیت الزامی و حقوقی یابد. اسلام عرفی را پذیرا است که پسندیده باشد، منبعث از اراده باشد، معقول باشد، نص فقهی در مورد آن وجود نداشته باشد (ما لانس فیه) و مخالف و مغایر با نصوص نباشد، زیرا با وجود نص نمی‌توان به عرف استناد جست (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۶: ۱۲۵). در کنار این، عرف بین‌المللی عبارت است از رویه، طرز عمل یا رفتاری که هر کشور با سازمان بین‌المللی در مناسبات خود با کشور یا سازمان بین‌المللی دیگر دارد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۷۸). عرف از منابع حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود و از طرف تدوین‌کنندگان حقوق بین‌الملل به عنوان یک قاعده مهم اصولی پذیرفته شده است. تردیدی نیست که عرف بین‌المللی همان سیره عقلا است که از دیدگاه نظام حقوقی اسلام پذیرفته شده و در مسائل بسیاری مستند حکم و فتوای حقوقدانان است. (ابراهیمی، ۱۳۷۱: ۲۷)

روش حمل و تحویل تحت نظارت مواد مخدر از جمله شیوه‌هایی است که پیش از آنکه در قالب یک ابزار الزام‌آور برای کشورها در مبارزه هرچه مؤثرتر با مواد مخدر، جنبه‌ای بین‌المللی پیدا کند، مورد تجربه برخی کشورها قرار گرفته بود. موج فزاینده قاچاق مواد مخدر، شماری از کشورها را بر آن داشت تا با انتخاب روش حمل و تحویل تحت نظارت، تفاهم‌نامه‌های همکاری دوجانبه‌ای میان خود به عنوان کشورهای مبدأ و ترانزیت به امضا برسانند (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۸-۳۶) و به این صورت یک عرف بین‌المللی در رابطه با این شیوه از مبارزه

با مواد مخدر شکل گرفت و همین عرف بین‌المللی به تدریج مورد اشاره برخی اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار گرفت که در نهایت در ماده ۱۱ «کنوانسیون مبارزه با قاچاق غیر قانونی مواد مخدر و داروهای روانگردان» به استفاده از روش حمل و تحویل کنترل‌شده تصریح گردید.

خلاصه آن‌که روش حمل و تحویل تحت نظارت به عنوان یک عرف بین‌المللی که برگرفته از سیره عقلا برای مبارزه هرچه مؤثرتر با اختلال در نظام اجتماعی است، طبق قاعده فقهی عمل به عرف و عادت معتبر است و لزوم استفاده از چنین روشهایی برای حفظ مصالح عامه ضروری می‌باشد.

در آیه ۱۹۹ سوره اعراف آمده است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» در این آیه شریف، به پیغمبر(ص) دستور داده شده که به عرف امر کند و مردم را به تبعیت از آن فرمان دهد. اغلب اهل سنت می‌گویند: این همان عرف و سنتی است که عقلا در میان خود برای حفظ بقا و نظام متداول کرده‌اند. در شیعه نیز کم و بیش همین تفسیر دیده می‌شود. مثلاً طبرسی در ذیل همین آیه نوشته است: «عرف؛ یعنی معروف و هر چیز پسندیده و شناخته شده و گفته‌اند عرف عبارت است از هر روش و خصلتی پسندیده که عقول مردم، خوبی و درستی آن را تشخیص دهند و نفوس مردم در پرتو آنها آرامش یابند»

### حکم عقلی

دلیل اصلی حرمت استعمال مواد مخدر حکم عقل و تطبیق برخی از قواعد و احکام قطعی فقهی بر آن می‌باشد، البته در تبیین دلیل عقل و چگونگی حکم عقل می‌توان صور مختلفی ترسیم نمود.

مرحوم شهید صدر در تقسیم قضایا و احکام عقلی می‌فرماید: حکم عقل دو گونه است: احدهما قضایا تشکل عناصر مشترکه فی علمیه الاستنباط... و الاخر قضایا مرتبط باحکام شرعیة معینة حکم العقل بحرمه المخدر قیاسا له علی الخمر لوجود صفة مشترکه و هی اذهاب الشعور.

ایشان قایل هستند که عقل از باب قیاس مواد مخدر به خمر، حکم به حرمت آن می‌کند، زیرا علت منصوصه حرمت خمر، ذهاب عقل و شعور بوده و این علت در مواد مخدر به طور یقینی وجود دارد.

برخی دیگر حکم به حرمت مواد مخدر کرده اما نه از باب قیاس به خمر بلکه آن را مسکر دانسته و از آنجا که در شرع اسلام حرمت استعمال مسکرات امری مسلم می‌باشد، حرمت مصرف مواد مخدر را مسلم دانسته‌اند. اما باید بررسی شود که آیا واقعا مواد مخدر از مسکرات هستند و عین احکام جزائی و تکلیفی مسکر را دارند؟

کارشناسان مواد مخدر بر این اعتقاد دارند که فرآورده‌های حشیش و تریاک که مورد سوء مصرف قرار می‌گیرند، به طور قطع از مسکرات هستند، زیرا برای مدت زمانی عقل را زایل می‌کند و انسان را به مرحله حیوانی و بی‌خودی ساقط می‌کند.

اما با توجه به اینکه اکثر فقها فارق و مایز بین مسکر و مواد مخدر را عرف دانسته‌اند، ملاک در تشخیص مسکر از غیر مسکر و خمر از غیر خمر، عرف می‌باشد. در نظر عرف نمی‌توان مواد مخدر را عین مسکر دانست تا احکام مختلف آن را بر مواد مخدر بار نمود. در عین حال با نظر به روایات حرمت خمر و مسکرات و فلسفه و علت حرمتی که برای آنها بیان شده، شاید بتوان از باب تنقیح مناط، حکم حرمت خمر و مسکرات را به مواد مخدر سرایت داد، زیرا تمام علت و فلسفه حرمت خمر را که در روایات صحیح آمده است، امروزه به روشنی در استعمال مواد مخدر می‌یابیم.

در کتاب علل الشرایع در باب علت تحریم خمر سه روایت آمده است:

۱- حدثنا محمد بن موسی بن المتوکل رحمه الله قال: حدثنا علی بن الحسین السعد آبادی قال: حدثنا احمد بن محمد بن خالد عن ابیه عن محمد بن سنان، قال: سمعت ابا الحسن علی بن موسی بن جعفر (علیه السلام) یقول: حرم الله (عزوجل) الخمر لما فیها من الفساد و من تغییرها عقول شاربیهها و حملها اياهم علی انکار الله (عزوجل) و الفریة علیه و علی رسله و سائر ما یکون منهم من الفساد و القتل و القذف و الزنا و قلّة الاحتجاز عن شیء من المحارم فبذلک قضینا علی کل مسکر من الاشربة انه حرام محرّم لانه یاتی من عاقبته ما یاتی من عاقبة الخمر.

۲- حدثنا محمد بن علی ما جیلویه عن عمه محمد بن ابی القاسم عن محمد بن علی الکوفی عن عبدالرحمن بن سالم عن المفضل بن عمر، قال: قلت لابی عبدالله (علیه السلام): لم حرم الله الخمر، قال: حرم الله الخمر لفعالها وفسادها لان مدمن الخمر تورثه الارتعاش و تذهب بنوره و تهدم مروته تحمله علی ان یجترء علی ارتکاب المحارم و سفک الدماء و رکوب الزنا و لایؤمن اذا سکر ان یشب علی حرمه و لایعقل ذلك و لایزیدشاربها الا کل شر.

### حرمت از باب اکل سم

حرمت از باب اکل سم و اضرار شخصی و اجتماعی: برخی از فقها، مانند مرحوم آیت الله خوئی استعمال مواد مخدر را از باب اکل سم و ضرر رساندن به جسم و به مخاطره انداختن سلامت جسمی و روانی که حرمت آن در شرع مسلم است حرام دانسته‌اند. برخی، مانند آیت الله خامنه‌ای به وسعت ضرر آن خصوصاً ضرر اجتماعی که مترتب بر مصرف مواد مخدر می‌باشد توجه نموده و حرمت آن را از باب اضرار شخصی و اجتماعی دانسته‌اند. (آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: یحرم استعمال مواد مخدره و الاستفاده منها مطلقاً نظراً الی ما یترتب علی استعمالها بایّ شکل کان من الاضرار الشخصیة و الاجتماعیة المعتدیها...) به نظر می‌رسد حرمت مواد مخدر از این باب امری روشن است، زیرا قاعده لاضرر با هر کدام از معانی و تفسیری که علما برای آن کرده‌اند و در بحث بعدی به آنها اشاره خواهد شد بر استعمال مواد مخدر قابل تطبیق است

### حرمت از باب قاعده اسراف

در قرآن، اخبار و کلمات علما از اسراف به طور مکرر سخن به میان آمده است که حاکی از حرمت آن می‌باشد، به طوری که در حرمت اسراف هیچ شکی نمی‌باشد. در عین حال بسیاری از فقها به طور دقیق به تبیین موارد و احکام جزائی آن نپرداخته‌اند اگر چه برخی در صدد طرح و تحقیق در آن برآمده‌اند.

مرحوم مولی احمد نراقی می‌فرماید: «بیان این قاعده از امور مهم و لازم است». وی موضوع را به عنوان قاعده حرمت اسراف طرح نموده و ابتدا وارد بیان ادله حرمت آن شده و سپس



وارد معنی اسراف می‌گردد. ایشان پانزده معنی برای آن ذکر می‌کند و سپس همه را به دو معنی ارجاع می‌دهد:

#### ۱- انفاق در معصیت ۲- مجاوزة الحد؛

سپس می‌گوید: ان شئت عبرت عن الاخير بالانفاق المستقبح عند العقلاء او الانفاق فی غیر حاجة او فیما لاینبغی او فی غیر حقه او خلاف الاقتصاد. براساس هر یک از دو معنی فوق، استعمال مواد مخدر از مصادیق بارز اسراف است، زیرا چنانچه با ادله دیگری غیر از ادله حرمت اسراف اثبات شود که استعمال مواد مخدر حرام و معصیت است، در این صورت صرف مال برای استعمال مواد مخدر به معنای «انفاق در معصیت» مصداق اسراف می‌باشد، اما اگر نتوان با ادله دیگری غیر از قاعده حرمت اسراف، حرمت آن را اثبات کرد، به معنای دوم مصداق اسراف است، زیرا استعمال مواد مخدر، مصرف مال در چیزی است که نزد عقلا قبیح و ناپسند است و انسان رشید خود را از مصرف مواد مخدر بی‌نیاز می‌داند و اساسا خلاف اقتصاد است.

آنچه در تطبیق قاعده حرمت اسراف بر استعمال مواد مخدر مهم می‌باشد این نکته است که در کلمات برخی از فقها در باب اسراف، حکم به سفاهت مسرف و تطبیق عنوان سفیه بر وی شده است. از مرحوم مجاهد نقل شده: فلو صرف ماله فیما لاینبغی عقلا او شرعا و ان کان له فائده دینیة او الدنیویة فانه مضیع لذلك المال شرعا مبذر و سفیه.

در بررسی حکم وضعی استعمال مواد مخدر و مجازات آنها با توجه به همین نکته می‌توان بحث سفاهت فرد معتاد را مطرح نمود و توقیف کلیه اموال و سپردن آنها به قیم قانونی و حاکم شرع را مورد بررسی قرار داد که بحث آن خواهد آمد.

### قاعده حرمت مقدمه حرام

قاعده حرمت شرعی مقدمه حرام در لسان فقها به کرات مورد استناد قرار گرفته است. مقدمه فعل حرام اگر سبب خود فعل حرام باشد، حرام است و اگر به عنوان شرط فعل حرام باشد تنها در صورتی که برای توسل به فعل حرام صورت پذیرد، حرام است (نراقی، ۱۳۷۳: ۱۴۲). فقها در مباحث مختلف فقهی و بیشتر در ابواب حدود، دیات و قصاص متعرض این قاعده شده‌اند.

قاچاق مواد مخدر را اگر به عنوان سبب عمل حرام استعمال مواد مخدر ندانیم و نیز اگر سبب جرائمی که معتاد مرتکب می‌شود، به حساب نیاوریم، اولاً، می‌توان زمینه و شرط استعمال مواد مخدر و حتی شرط برخی از جرائم معتاد در دست‌یابی به مواد را تلقی کرد. احراز علم و قصد تولیدکننده و قاچاقچی نسبت به استعمال مواد توسط معتاد و یا علم به جرائم بعدی ناشی از اعتیاد وی نیز امری سهل است. کدام تولیدکننده و قاچاقچی مواد مخدر است که نخواهد مواد مخدر تولیدی و یا قاچاق خود را به مصرف معتاد نرساند؟! ثانیاً، در موارد بسیاری قاچاق مواد مخدر، در انجام شدن جرائم متعددی غیر از جرم استعمال و جرائم معتاد به نحو سببیت و شرطیت توأم با علم و قصد برای تسهیل و انجام قاچاق مدخلیت دارد که قتل، دزدی، رشوه، فریب، تهدید و ناامنی نمونه آنها است، بنابراین حرمت از این باب نیز می‌تواند مورد تایید و تاکید قرار گیرد.

همانگونه که اشاره شد، بنا بر فتاوی فقها استعمال مواد مخدر، حرام و در نتیجه مقدمات این فعل یعنی تهیه و خرید و فروش مواد مخدر هم حرام است، البته قاعده‌ای که در اینجا برای اثبات حرمت قاچاق مواد مخدر بیشتر مفید فایده بوده و از جهت استناد معتبرتر است، قاعده «حرمت معاونت بر اتیان مقدمه حرام» است که از قاعده «حرمت مقدمه حرام» تفریع می‌شود. این قاعده فرعی که مورد اتفاق فقها هم قرار گرفته است (ابراهیمی، ۱۳۷۱: ۲۷)، بیان می‌دارد که هر گونه همکاری برای تهیه مقدمات و افعال مقدماتی فعل حرام، حرام است. بنابراین قاچاق مواد مخدر، داخل نمودن این مواد به داخل کشور، توزیع و پخش و خرید و فروش آن به عنوان مقدمه فعل حرام «مصرف مواد مخدر» همگی در حکم حرام است و بر مسئولین حکومت اسلامی است که با هر گونه فعل حرام، مقدمه حرام و همکاری در فعل و مقدمه حرام خصوصاً در حوزه حقوق عمومی مبارزه نماید. بنابراین روش حمل و تحویل کنترل‌شده مواد مخدر راهکار مأمورین دولت اسلامی برای مبارزه گسترده و جلوگیری از پخش و توزیع وسیع مواد مخدر در بین مردمی است که مترصد انجام فعل حرام مصرف مواد مخدر هستند.

## قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان

بر حرمت معاونت در گناه و حرام علاوه بر کتاب «ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان» (مائده، ۲)، حکم عقل و اخبار مستفیضه‌ی فراوانی در موارد خاص دلالت دارد و افزون بر این، اجماع علما بر حرمت آن منعقد می‌باشد و فقهای عظام در موارد بسیاری بر اساس این قاعده فتوا داده‌اند. عمده بحث و نظر در تعیین و تبیین مساعده و معاونت بر اثم و عدوان می‌باشد.

در تحقق معاونت باید عمل و فعلی از شخص سربرزند که در وقوع و یا اكمال و تمامیت جرم و گناه مدخلیت داشته باشد. آنچه مورد تردید و گفتگو است اشتراط قصد و علم معاون، به مدخلیت عملش در تحقق یا اكمال و تمامیت جرم است. مشهور فقها برای تحقق معاونت فقط علم و اطلاع بر قصد تحقق حرام توسط مباشر را کافی می‌دانند. (بجنوردی، ج ۱، ص ۳۰۴ و نراقی، ۲۶: ۱۴۰۸). به هر حال چه از نظر ادله‌ی شرعیه اثبات اشتراط قصد یا علم بکنیم یا خیر، نمی‌توان انکار کرد که تولید و قاچاق مواد مخدر با توجه به عدم فایده‌ی عقلائی و مصرف سوء آن از مصادیق روشن معاونت بر اثم و عدوان می‌باشد، زیرا تولید کننده و قاچاقچی هم علم و هم قصد دارند که مواد مخدر را در نهایت به مصرف سوء و حرام مباشر یعنی معتاد برسانند.

بنابر این می‌توان حرمت تولید و قاچاق مواد مخدر از این باب را نیز امری روشن تلقی نمود. البته بحث شرطیت قصد و علم یا عدم آن در تحقق معاونت از جنبه کیفری و مجازات بسیار تعیین کننده است، مثلاً چنانچه احراز شود فردی که به تکسب با مواد مخدر پرداخته، به موضوع مواد مخدر جاهل بوده و دچار غرور شده است، آیا علاوه بر بطلان تکسب و معاملات او، مرتکب جرم معاونت و عمل حرام شده است یا خیر؟ این بحث در مباحث مجازات کیفری باید مورد تحقیق قرار گیرد.

## قاعده نفی سبیل

از دیگر قواعد مهم فقهی که هم آیات قرآن و هم اخبار مستفیض و هم اجماع بر آن اقامه شده و فقها در موارد کثیری مبنای استنباط احکام فرعیه قرار داده‌اند قاعده‌ی نفی

سبیل می باشد. (بجنوردی، ۱۳۸۹ق: ۱۵۷) حرمت هر عملی که سبب شود دشمنان دین و یا غیر مسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند، طبق این قاعده روشن است. گاهی قاچاق مواد مخدر با انگیزه های سیاسی از جانب دشمنان اسلام همراه است حتی اگر چنین انگیزه هایی وجود نداشته باشد از آثار شیوع مواد مخدر، زوال اراده ی دفاع از دین و حریم می باشد که در این صورت سبیل برای دشمنان دین و اسلام فراهم می شود، علاوه بر اینکه بسا فرد معتاد به جهت از دست دادن غیرت دینی، به سهولت به معاملاتی که موجب ولایت کفار و دشمنان دین می شود، تن می دهد و در مواردی حاضر به همکاری با اجانب می شود. بنابر این اگر چه در جمیع معاملات و تکسب، موضوع سبیل قطعی نیست، اما از آنجا که زمینه ساز اعمال ولایت کفار و سلطه دشمنان دین می باشد و در پاره ای از موارد سبب تحقق سبیل کفار و دشمنان دین می شود به نظر می رسد برای صدق موضوع قاعده کافی است. بنابر این اگر بر اساس این قاعده حکم به حرمت شود صحت آن بعید نمی باشد.

### چالش فقهی

در کنار آن دسته از بیانها و قواعد فقهی که می توانند برای اعتبار روش حمل و تحویل تحت نظارت مورد استفاده قرار گیرند، قواعدی نیز وجود دارد که در بادی امر به نظر می رسد در تعارض با این روش باشد و طبق آن قواعد، صحت این روش مورد تردید واقع گردد. وقوع این مسأله با توجه به گستردگی قواعد فقهی کاملاً روشن است. مهمترین قاعده فقهی که می تواند صحت انجام این روش را مورد مناقشه قرار دهد، قاعده «حرمت اعانه بر اثم و عدوان» است. این قاعده از جمله قواعد فقهی مشهوری است که فقها در فروع مختلف به آن تمسک نموده و آن را بر مسائل فرعی تطبیق داده اند. آیه شریفه: «و لاتعاونوا علی الایم و العدوان» نیز مؤید این قاعده و از ادله حجیت آن است، البته برای حرمت معاونت بر اثم روایات مستفیضه ای هم وجود دارد و حتی اجماع علما هم بر آن قرار گرفته و فقها بدون متعرض شدن به اصل ثبوت حرمت اعانه، در موارد بسیاری به آن استدلال کرده و تمسک جستنه اند. در میان فقهایی هم که به طور مستقیم این قاعده را مورد مذاقه و بررسی قرار داده اند، نظرات مختلفی وجود دارد که مجال بررسی تمامی نظرات، ادله و پاسخهای طرفین در این

مقال نیست، اما در مجموع می‌توان نظریه‌ای را با توجه به تمام نظریات ابرازی ارائه نمود که در ادامه به آن اشاره می‌نماییم.

به طور کلی مفاد قاعده این است که مسؤلیت فعل حرام تنها متوجه فاعل آن نیست، بلکه ممکن است «غیر» را نیز شامل شود و کسی به دلیل کمک کردن به فاعل حرام در حرمت عمل با او شریک شود. این قاعده در حقیقت یکی از موارد مسؤلیت به دلیل عمل غیر را در قالب معاونت بیان می‌کند. بنابراین می‌توان این ایراد را به روش حمل و تحویل تحت نظارت گرفت که این روش اجازه می‌دهد تا مأمورین با مجرمین و قاچاقچیان مواد مخدر همکاری کرده و با عدم تعقیب خود، بر ورود مواد مخدر به کشور به عنوان «اِثم» اعانه نمایند. به عبارت دیگر ورود مواد مخدر به عنوان یک «اِثم» و «حرام» با «معاونت» مأمورین و نیروهای انتظامی و امنیتی انجام می‌پذیرد.

بدون اشاره دوباره به تمامی مبانی فقهی و قاعده‌های مؤید این روش که در مباحث پیش مورد بررسی قرار گرفت، در پاسخ به این ایراد باید گفت که در این روش، ارکان مورد نظر قاعده برای تحقق معاونت، وجود ندارد. باید در تحقق معاونت و شرکت در اِثم و عدوان سه عنصر را احراز نمود: مشارکت دوجانبه؛ قصد مشارکت و صدق عرفی مشارکت. مفهوم قاعده در صورت تحقق این سه عنصر معتبر خواهد بود. اول شاید در روش حمل و تحویل کنترل شده مواد مخدر به ظاهر نوعی همکاری و مشارکت وجود داشته باشد، اما این مشارکت دوجانبه نیست، یعنی یک طرف که قاچاقچی باشد به هیچ وجه از همکاری مأمورین پلیس و چشم‌پوشی از مواد مخدر و تعقیب وی خبر ندارد؛ دوم قصد مأمورین نیروی انتظامی، شناسایی شاخه‌های اصلی توزیع و قاچاق مواد مخدر است و به هیچ وجه قصد مشارکت با قاچاقچیان را ندارند. علاوه بر فقدان قصد، تمام سعی مأمورین بر این است که نگذارند کمترین مقدار از این مواد مخدر به دست مصرف‌کننده برسد؛ سوم شهود عرفی و داوری عرف به خصوص عرف بین‌المللی از این شیوه به هیچ وجه، مشارکت و همکاری را استنباط نمی‌کند، بلکه یک نوع حيله و روش برای مبارزه مؤثر با مواد مخدر را می‌فهمد. در نتیجه در روش حمل و تحویل تحت نظارت هیچ کدام از ارکان قاعده حرمت اعانه بر اِثم وجود ندارد.

## نتیجه‌گیری

امروزه پدیده حمل مواد مخدر به عنوان یک بحران بین‌المللی در بین همه کشورهای جهان تبدیل شده است. حمل مواد مخدر، موجب بروز آسیب‌های جدی به پیکره اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جامعه بشری شده است. همه کشورها به نوعی در صدد مبارزه با جرایم مواد مخدری هستند اما شیوه برخورد در هر کشور با این پدیده، باعث به وجود آمدن نظریه‌ها و خط‌مشی‌هایی شده است.

علمای مذاهب مختلف در مورد اینکه مصرف مواد مخدر و روان‌گردان حرام است، اتفاق نظر دارند و به تبع آن کشت زراعت، تهیه و تولید، حمل و نقل و خرید و فروش آن را نیز حرام می‌دانند. ولی با وجود این اتفاق نظر دلایل هر کدام برای این حکم متفاوت است. گروهی برای حکم حرمت، به آیات و روایات عام و دلیل عقل اشاره می‌کنند. گروهی به قواعد مختلف فقهی مثل؛ قاعده‌ی لاضرر، حرمت اعانت بر اثم و عدوان، حرمت مقدمه‌ی حرام، سد ذرایع و... استفاده می‌کنند. گروهی نیز به حکم قیاس استعمال، خرید و فروش و حمل و نقل این مواد را حرام می‌دانند. در این میان برخی از علماء اعتقاد به حلیت این مواد را در حد کفر و خروج از دین می‌دانند. به طور کلی فقها مواد مخدر را جزء سموم یا مواد مضر برای بدن به حساب می‌آورند و علت حرمت این مواد را قاعده‌ی لاضرر و اضرار به نفس می‌دانند ولی در مورد اینکه مواد روانگردان مسکرنده یا مخدر و مغتر، اختلاف نظر وجود دارد. اختلاف نظری که احکام صادره از جانب فقها را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در هر حال حکم اسلام در مورد استعمال، حمل و نقل و خرید و فروش این مواد حرمت است و اموال حاصل از فروش این مواد مصداق اکل مال به باطل بوده و حرام است. استعمال مواد مخدر از محرّمات شرعی است و به تبع آن تولید و قاچاق آن نیز حرام شرعی می‌باشد. قاچاق مواد مخدر و تمام معاملات آن را می‌توان از صغریات و مصادیق قاعده لاضرر، قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان، قاعده حرمت مقدمه حرام و قاعده نفی سبیل تلقی نمود. باید در کمیت و کیفیت مجازات بین مصرف‌کننده و حمل‌کننده مواد مخدر و... تفاوت گذاشت.

## منابع و مأخذ

## قرآن کریم

- ابراهیمی، محمد(۱۳۷۱)، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، جلد ۱، تهران، انتشارات سمت
- اردبیلی، محمدعلی(۱۳۸۳)، حمل و تحویل تحت نظارت، تهران، انتشارات میزان
- انصاری، مرتضی بن محمد(۱۳۷۶)، فرائد الاصول، انتشارات مصطفوی، قم
- اورنگ، جمیله،(۱۳۹۰)، پژوهشی درباره اعتیاد، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- بجنوردی، آیت الله میرزا حسن(۱۳۸۹ق)، القواعد الفقهیه، مطبقة الآداب فی النجف الاشرف
- خراسانی(آخوند)، محمد کاظم بن حسین، کفایه الاصول، چاپ اسلامیه، تهران(۲جلد)
- خمینی، سید روح الله(۱۳۸۵)؛ تحریر الوسیله، جلد دوم، قم: دارالعلم.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا(۱۳۷۶)، اسلام و حقوق بین الملل، تهران، انتشارات گنج دانش
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا(۱۳۹۲)، حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش
- طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- طوسی، محمد بن حسن(۱۳۴۳)، النهایه، چاپ دانشگاه تهران.
- عمید، حسن،(۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی عمید، جلد سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- عمید زنجانی، عباسعلی(۱۳۹۱)، قواعد فقه بخش حقوق جزا، جلد ۲، تهران، انتشارات سمت
- مفید، محمد بن محمد(۱۴۱۰): المقنعه، ناشر، قم، انتشارات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی
- نراقی، احمد بن محمد مهدی(۱۳۷۳)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، مشهد، موسسه آل البيت (علیهم السلام)